

آزادی سکه

اصغر ترابی

ای صبا این چیست که به ارمغان آورده‌ای؟! بوی بهار است یا که بوی تربت پاک حسین علیه السلام? از بهار پرسیدم: این شکوفه‌ها و این گل‌های زیبا شاید کودکان کربلا و علی اصغر حسین است. این درختان سرسبز، حتماً غم و بیری حسین علیه السلام است. صدای بلبلان را شنیدم که هم آواز با ناله جانسوز حسین بود. در حلول سال نو نیز پروانه‌ای به دنبال شمع وجود حسین بود؛ هم غرش آسمان و هم خروش دریای جوشان حاکی از این بود که امسال سال حسین علیه السلام است.

پس از سالی که به نام رفتار علوی مزین گشته بود، این بار، در حلول سال نو، سراپا گوش منتظر نام‌گذاری سالی که آغاز و پایانش مقارن با فریاد یا حسین است، نشسته بودیم که تدبیر رهبر فرزانه انقلاب در شرایطی که سردمداران استکبار جهانی به بهانه مبارزه با تروریسم، چنگ و دندان تیز کرده و تهدیدات خود را متوجه جهان اسلام نموده و نابخردانه ملتی را که قهرمانانه بارها امتحان پس داده است، هدف قرار داده، چه واژه قشنگ و ظریفی را برگزید. چه پرمعنا و با صلابت! **عزت و افتخار حسینی**.

واقعاً بر خود بالیدم بر این تدبیر و بر این نام، کلامی رسا و متین، زیبا و عمیق، پرمعنا و تام، متناسب با اوضاع زمان، نامی غرورآفرین و سرشار از پیام.

سال هاست مردم در سوگ سرور و سالار شهیدان و یاران باوفایش به عزا و ماتم نشسته و با دیدگانی گریان بر سر و سینه می‌زنند و بر مظلومیتشان اشک ماتم می‌ریزند، عشق به حسین و عاشورای حسینی برای شیعیان و محبان اهل بیت حدیث دیگری دارد.

گریستن بر سوگمندترین حادثه تاریخ را که در کربلا به نام حسین علیه السلام رقم خورد نمی‌توان منکر شد، بلکه باید گفت: بر مظلومیت امامان و به ویژه حادثه کربلا خون باید گریست. چه هرگز غبار مظلومیت را نمی‌توان از چهره مبارکشان زدود و به سادگی از آن گذشت.

باید گفت: در حادثه کربلا شاید در طول تاریخ، سوگ حادثه اجازه پرداختن به ابعاد دیگر را نداده و بر همه جوانب آن سایه افکنده است. این چیزی است که در ادبیات و تاریخ و شعر ما کاملاً مشهود و محسوس است. پس بیایید روی دیگر سکه را بنگریم تا حسینی را که در همه اعصار و قرون دل‌های عالم را شفته و مفتون خود ساخته است، بهتر بشناسیم و بشناسانیم.

حسین عزت و سربلندی را نه برای شیعیان، نه برای مسلمانان بلکه برای همه عاشقان و آزادگان و عدالت‌خواهان به ارمغان آورد تا در مکتب او درس عشق و آزادی و عدالت بیاموزند.

حسین با خون سرخ خود صحرای سوزان کربلا را آبیاری کرد و آزادی و عزت، درس عشق و ایثار، شهامت و شجاعت را به همه انسان‌های آزاد و عاشق آموخت.

حسین در بلندای تاریخ جمله زیبایی حق پیروز است را بر قلوب همه انسان‌های آزاد و شجاع حک نمود و با خون سرخش شعار «هیئات منّا الذلة» را بر پیشانی‌شان نوشت تا با تداوم راه او بساط ظلم و ستم را از گستره تاریخ برچیند.

بیایید همان‌گونه که در سوگش نشسته‌ایم و بر مظلومیتش می‌گرییم، او را مظهر عزت و افتخار، شجاعت و آزادی، دین‌باوری و دین‌داری، عشق و دل‌باختگی، ایمان و دلیری و در یک کلام مظهر همه خوبی‌ها بدانیم.

به راستی عزت، واژه زیبا و پرمعنایی است؛ عزت یعنی فرائز از قدرت، یعنی تسلط و استیلا بر قدرت، یعنی علو و برتری، سربلندی و اقتدار، عزت یعنی به کسانی که به بازوان قدرتمند خود می‌بالند و دیگران را به سلاح‌های پیشرفته خود تهدید می‌کنند و خود را یک‌ه‌تاز میدان و ابرقدرت جهان می‌دانند، بگوییم:

«مردان راه حسین در برابر قدرت و شوکت ظامری مرعوب نخواهند شد چون سلاحشان ایمان، کتابشان قرآن و رهبرشان حسین است.»

پس ای شیفتگان راه حسین، ای جویندگان عزت حسینی حال که یزید زمان، بوش ظالم، پرچم کفر را به دست شمر زمان شارون جنایتکار داده است و کوفیان فقط به نظاره نشسته‌اند، آیا سکوت جوامع اسلامی رواست؟ این سکوت گناهی نابخشودنی است و موجب تن به ذلت دادن به بهای از دست دادن عزت جوامع اسلامی گردیده است.

پس بیایید همه با هم سوگند یادکنیم که گوش به فرمان ولایت جان را سند عزت و خون سرخ را پشتوانه حفظ و بقای دین و اسلام و کیان اسلامی خود سازیم تا هم در دنیا با عزت زندگی کنیم و هم در آخرت سربلند باشیم. و بدین سان عزت و افتخار حسینی را پاس بداریم.

مالک بن انس (پیشوای مذهب مالکی)، ابوسفیان ثوری (از مشاهیر اهل سنت)، ابوحنیفه (پیشوای مذهب حنفی)، شافعی (پیشوای مذهب شافعی)، احمد حنبل (پیشوای مذهب حنبلی)، ابن عیینه، محمد بن حسن شیبانی و یحیی بن سعید و غیر ایشان از دانشمندان و محدثان و فقیهان مانند: ایوب سجستانی و شعبه بن حجاج و عبدالملک بن جریر و... بودند. یکی از آثار باقیمانده، کتابی است به نام «توحید مفضل» که امام صادق علیه السلام در زمینه خداشناسی به یکی از اصحاب خود به نام «مفضل» تعلیم داده است. از آن حضرت ده‌ها هزار حدیث در زمینه‌های گوناگون بر جای مانده و تنها «ابو سعید ابان» یکی از شاگردان امام، سی هزار حدیث از آن حضرت نقل کرده است. مجموع شاگردان امام علیه السلام بالغ بر چهار هزار تن بودند. (۸)

اهداف مهم امام صادق علیه السلام در این زمینه، سه چیز بود:

الف. تنظیم قواعدی استوار برای تشریع احکام اسلامی. تا بدین ترتیب استمرار و بقای اسلام را تضمین نماید.

ب. پاسخ به شبهات و اصلاح احادیث جعلی.

ج. اثبات امامت و مرجعیت دینی خویش و توجیه وجوب اطاعت از امام عصر. آن‌سان که بزرگان علمای سایر مذاهب اسلامی جز اعتراف به برتری و مرجعیت او کاری نتوانستند کنند، همچون اعتراف ابوحنیفه، که پس از دو سال علم‌آموزی نزد امام صادق علیه السلام چنین یاد کرده است: «اگر آن دو سال نبود، نعمان (ابوحنیفه) از بین رفته بود». (۹)

روشن است که اگر فعالیت‌های علمی امام صادق علیه السلام در اشاعه فرهنگ دینی و مکتب تشیع نبود، از تشیع و اسلام پس از قرن‌ها اینک خبری نبود.

امام صادق علیه السلام دست به پاکسازی وسیعی در دین زدند. دین را از انحرافات دینی به وجود آمده پس از دوران طلایی اسلام پیراستند. از این‌رو، نقش ایشان در احیای فرهنگ اسلام و غنا بخشیدن به معارف اسلامی بسیار چشم‌گیر است. به همین دلیل، شیعه اثنی عشری را شیعه جعفری نیز می‌نامند؛ زیرا شیعه بسیاری از معارف خود را از پیشوای ششم خود امام جعفر صادق علیه السلام دریافت داشته است. و بدین سان امام صادق علیه السلام مؤسس شیعه جعفری لقب گرفت.

.....پی‌نوشت:

۱. ۳۰ و ۳۱. پیشوایان ما ائمه دوازده‌گانه، تألیف استاد عادل ادیب، ص ۱۸۳ الی ۱۸۹
۲. الفهرست شیخ طوسی، چاپ دانشگاه مشهد، ص ۴۰۳
۳. رسایل جاحظ از سند دبی، ص ۱۰۶
۴. پیشوایان ما ائمه دوازده‌گانه، تألیف استاد عادل ادیب، ص ۱۹۰ و ۱۹۱
۵. زندگی امام موسی علیه السلام، از قریشی، ص ۷۶
۶. امام صادق علیه السلام و مذاهب چهارگانه، اسد حیدر، ج ۳، ص ۲۷ - ۲۸ - ۲۶
۷. سیری در سیره ائمه اطهار، استاد مطهری، ص ۱۲۷

